

دو صد شور و یک افسوس

۱۰ خردادماه ۱۳۸۴

۳۱ ماه مه ۲۰۰۵

غروب شور آفرین ۲۱ ماه مه برای بزرگداشت یکصد و بیست و سومین سالگرد تولد مصدق در شهر کلن، آلمان به دنبال بی تابی ها و ناشکیبایی های چند ماهه آن دسته از عاشقان نجات ایران که راه مصدق را تنها راه برای دستیابی به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در ایران می شناسند و نیز برای آن عده از هم میهنان پیر و جوانی که می توان گفت از وجود بزرگمردی به نام مصدق در تاریخ مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی میهن خود خیر دارند و همین قدر می دانند که او ایران را در نیم قرن پیش تا چند قدمی فتح قله رفیع استقلال و اعتبار ویژه ای رسانده بوده و راهزنان کودتاچی انگلیسی آمریکایی و نوکران درباری آن ها راه را برای پیمودن چند قدم آخر به اوج قله بر او بسته بودند فرا رسید. جمعیتی بالغ بر یکهزار تن درون و بیرون سالن بزرگ محل برگزاری بزرگداشت را پر کرده بود، شور و غرور ملی و امید به آینده در چشم ها و چهره ها به وضوح خوانده می شد و گاه با کلامی امیدوارکننده بر لب ها می نشست.

برنامه های شعر و سخن و پیام و نمایش و موسیقی و رقص های محلی با نظم و ترتیبی که نشان از تلاش و زحمت مستمر اعضای هیأت برگزاری جشن و اجرا کنندگان برنامه ها طی چند ماه گذشته داشت تا پاسی از نیم شب ادامه یافت و به پایان رسید، اما به نظر می رسید شرکت کننده ها همچنان راضی نیستند و گم گشته خود را نیافته اند. پیدا بود انتظار و آرزویی دارند که بر آورده نشده است. معلوم بود علاوه بر تجلیل و بزرگداشت مصدق در انتظار اقدام و ابتکاری از سوی عاشقان و دلباختگان راه و رسم مصدق هستند. تقصیر هم نداشتند زیرا در تارنمای www.mossadeq.com جواب جمعی از دست اندرکاران برگزاری این بزرگداشت و دیگر حامیان و علاقمندان به نهضت ملی ایران و راه مصدق در برابر یک سؤال که خانم سهیلا ستاری مسئول تارنما از آن ها پرسیده بود جواب های مناسبی را به شرح زیر دریافت کرده بودند:

سؤال عموماً دارای چنین معنی و مفهومی بود که:

آیا فکر می کنید در شرایط کنونی این بزرگداشت چه اهدافی را دنبال می کند؟ آیا این صرفاً یک قدردانی است یا به علت ضرورت های امروزی در راه به کار بستن اندیشه ها و راه مصدق است؟

و چندین جواب به عنوان نمونه چنین بود:

جواب آقای ناصر کاخساز:

... تنها نسخه‌ی نجات ایران در این موقعیت حساس، نسخه‌ی امروزی شده‌ی جنبش مصدقی است.

جواب آقای علی اصغر سلیمی:

... اصلی‌ترین و مهمترین جنبه چنین بزرگداشتی رسالتی است که دکتر مصدق در دوران حیاتش بعهده داشته است، رسالت مصدق، یعنی رسالت حرکت تاریخی و جنبش ملی ایران به پایان نرسیده است. ایران و ایرانیان هنوز درگیر کشمکش روی همان نیازهای اساسی فردی و اجتماعی هستند که از صد سال پیش، از زمان مشروطیت، درگیر آن بودند. هنوز سد و موانع گوناگون در مقابل آزادی، استقلال و عدالت و پیشرفت اجتماعی برداشته نشده‌اند.

جواب آقای دکتر رضا ادگان:

... هدف از بزرگداشت زادروز شادروان دکتر مصدق، تنها قدردانی از رهبر نهضت ملی ایران نیست، بلکه سیاست‌هایی که او در زمان حکومتش پیش گرفته بود بحق الگو و نماد مناسبی برای بسط و گسترش مردمسالاری در جامعه ملی ایران بر اصل آزادی، استقلال و رشد در عدالت است. به گمان من راه و روش سیاسی که مرحوم دکتر مصدق تعقیب می‌کرد، بر انگیزته از تجارب تاریخ مبارزات اجتماعی ایران در جهت تغییر و تحول تدریجی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران بر اساس تز " موازنه منفی " بود. مصدق با ملی کردن صنعت نفت ایران در واقع « تسلیم تمایلات خارجی و بیگانگان نشده و دست آنان را از منابع ثروت ملی کوتاه نمود » و بساط سلطه و استعمار کهن و دیرینه و « اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم‌ترین امپراطوری‌های وقت جهان را از مملکت برچید ».

جواب آقای علی شاهنده:

... این « بزرگداشت » در صورتی به رسالت خود پاسخ شایسته می‌دهد که از هواخواهان صدیق و راستین آرمانهای انسانی مصدق اگر نه سازمان، دستکم هسته فعالی بوجود آورد.

جواب خانم منیر طه :

... من فکر می‌کنم بعد از بلای کودتا این نقش، پنهان و آشکار ایفا شده ولی نتوانسته اجرا شود و این بزرگداشت هم قدمی است برای آبیاری این درخت کهنسال که ریشه اش قوی‌تر و شاخه هایش پر بارتر گردد و این درخت دوباره به میوه خواهد نشست، هرگاه رشد و نموش به امانت و درستی و رو راستی تغذیه گردد.

جواب آقای سرهنگ محمودی :

... این همکاری و همیاری نویدی است برای کار مشترک فردا برای بارور کردن آرمان مصدق.

جواب آقای منوچهر تقوی بیات:

... جبهه ای را که دکتر مصدق از نیروهای مردمی، برای مبارزه با دشمنان ایران بوجود آورده بود باید از نو بوجود آورد. کسانی که دل درگرو ملت ایران دارند باید حول کلی ترین و مشترک ترین خواست‌های خود متحد شوند و جنبش را از پراکندگی و سردرگمی نجات دهند. بطور کلی جنبش ملی از لحاظ رشد اجتماعی و خواست‌های مدنی در مرحله ی پیشرفته تری از مقطع سال 30 و سال 57 قرار دارد، اما فاقد خرد جمعی لازم، تشکیلات و رهبری است. در مقابل متأسفانه دشمنان خارجی مردم ما و نوکران داخلی آن‌ها در وضعیت برتری نسبت به جنبش ملی و نیروهای مربوطه ی آن قرار دارند. وظیفه ی ملی ما ایرانیان امروز بسیار سنگینتر از گذشته است. به قول حافظ

شهر خالی است ز عشاق بود کز طرفی
مردی از خویش برون آید و کاری بکند

جواب آقای سرهنگ ادیب :

... سؤال بجائی می‌نماید ، بلی مصدق يك مکتب است ، مصدق یعنی آزادی و عدالت ، مصدق یعنی ایران بزرگ و مستقل و ملتی در رفاه و آسایش . بی جهت نیست که استعمارگران و خود کامگان و بیگانه پرستان همواره از نام مصدق در ترس و هراسند، نگاهی به جریان‌های اخیر این حقیقت را بدرستی نشان می‌دهد . روزنامه‌های وابسته به نظام اسلامی مانند کیهان ، جمهوری و رسالت مقاله‌هایی علیه مصدق درج کردند عجیب اینکه همزمان چند رسانه تصویری برون مرزی سلطنت طلب و همچنین چند نفری هم معلوم الحال که سر در آستان بیگانگان دارند ، علیه مصدق مزخرفاتی را سرهم کرده و بیان داشتند . یعنی هواخواهان نظام سلطنتی و طرفداران نظام اسلامی وقتی در برابر نام مصدق قرار می‌گیرند در يك صف قرار گرفته و هم صدا می‌شوند.

چراغی را که مصدق فرا راه ملت ایران نهاد هیچگاه خاموش نخواهد شد تا ملت ایران به استقلال کامل و آزادی و عدالت اجتماعی و رفاه و ترقی برسد و جایگاه از دست رفته خود را در جهان امروز دوباره بدست آورد و برای همیشه پرچم سه رنگ شیر و خورشید نشان ایران زمین بر فراز قله رفیع

دماوند به اهتزاز در آید . شما یقین بدانید نام مصدق دلها را روشن می نماید . مردم داخل کشور با نام مصدق جان خواهند گرفت و بحرکت در خواهند آمد. کاری را که شما آغاز کرده اید کاری امید بخش است، باید به شما دست مریزاد گفت. ولی باید کاملاً هم مواظب بود که دشمنان ایرانی نما در صدد تخریب بر نیابند این بیت مولانا جلال الدین مولوی را باید همواره مد نظر داشت:

ای بسا عفریت آدم رو که هست پس به هر دستی نباید داد دست

جواب آقای دکتر علی راسخ افشار :

... نه تنها ما، بلکه ملت‌های دیگری هم روز‌هایی را دارند که بمناسبت آنها مراسمی را، حالا یا با شادمانی و سرور و یا با سوگواری و ماتم، برگزار میکنند که بخودی خود تنها ارزشی تاریخی و یادبودی دارند. در عین حال اما میتوانند چنین سالگردهائی آغازی برای رستاخیزی نوین گردند و باعث بیداری و جنبش خلق شوند و آتش زیر خاکستر را از نو بر افروزند و جریان ایجاد کنند. حافظه تاریخی مردم در چنین روز‌هایی باز بیدار و رویدادهائی باز حضور زنده در صحنه پیدا میکنند و چه بسا انگیزه و موتور حرکتی تازه گردند.

جواب محمد حسینی:

... ولی حق شناسی از خدمات مصدق بدون پیروی از راه و رسم و اخلاق انسانی و سیاسی او بس بیمورد، بی فایده و حتی مضر است. نمی توان نسبت به او حق شناس بود و در عین حال به دامان دولتمردان سیاسی بیگانه نیز پناه آورد. هر کس چنین کند نه ملی است، نه مصدقی است و نه حق شناس نسبت به مصدق است .

بنابر آنچه که در بالا اشاره شد گردهمایی ۲۱ ماه مه امسال زمانی به حق شناسی راستین نسبت به مصدق مبدل خواهد شد که آغازگر و سنگ بنای همبستگی یا همان « جنبش ملی» گردد.

با توجه به آنهمه مقاله و مصاحبه و پیام طی دوسه ماه گذشته و بالاتر از همه با توجه به روزگار پریشان میلیون ها مردم بی گناه در سراسر ایران انتظار و توقع حاضران در شامگاه پرشور و پرامید شنبه 21 ماه مه در شهر کلن بس بجا و قابل پیش بینی بود، اما پچ پچ ها و قول و قرارها باعث شد که امید و آرزوها به فردا موکول شوند. روز یکشنبه از صبح تا شام اگر نه بیشتر، اما دست کم دو جلسه در شهر کلن تشکیل شد که نگارنده این گزارش در یکی از آن دو شرکت داشت:

جلسه بعد از ظهر یکشنبه ۱۹ ماه مه ۲۰۰۵ در کلن:

در این جلسه تقریباً بیست تا سی تن از فعالان سیاسی جنبش چپ و اعضای دیرین جبهه ملی ایران، همچنین آقای ابوالحسن بنی صدر اولین رئیس جمهور ایران و یکی از فعالان دیرین در نهضت ملی ایران حضور داشتند. قبل از آغاز جلسه و در طول جلسه همه بر یک قول متفق بودند که برنامه بزرگداشت در شب گذشته با همت و زحمت فراوان و ابتکار هیأت برگزاری به بهترین وضع انجام شده بود. استقبال و حضور بیش از یک هزار تن خود دلیلی بر تلاش بی وقفه این هیأت بود.

خانم سهیلا ستاری مبارز پرسابقه و پرتجربه ریاست جلسه را به عهده داشتند و کار جلسه را با این سؤال آغاز کردند که مفهوم و معنی آن به شرح زیر بود:

بعضی از افراد پیشنهاد کرده اند که اقدام بعدی ما تلاشی برای برگزاری بزرگداشت انقلاب مشروطه باشد. به نظر شما حاضران اقدام و یا قدم بعدی ما چه باید باشد؟

پیشنهادها از سوی فعالان سیاسی/مبارزاتی حاضر در جلسه به شرح زیر بود:

- تلاش برای تحریم انتخابات.

- تلاش برای احقاق حقوق زنان.
- تلاش برای احقاق حقوق کودکان.
- تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی.
- تلاش بر تشکیل یک ائتلاف چند صدایی برای مبارزه.
- ادامه مبارزه در « راه مصدق » نیز مطرح شد.

جلسه پس از سه ساعت و نیم بحث بدون اتخاذ تصمیم پایان گرفت. شور و امیدی که با مقاله ها و مصاحبه ها و سخنرانی ها و پیام های چندماهه در رابطه مستقیم با « راه مصدق » در غروب شنبه ۲۱ ماه مه به اوج رسیده بود در غروب دلگیر یکشنبه کلن منجمد شد.

چرا چنین شد؟ این چه عاملی است که ما را اینچنین زیر نام مصدق گرد هم جمع می کند، اما از قدم گذاشتن در « راه مصدق » باز می دارد؟ « راه مصدق » چیست؟

از عموم مبارزان راستین، جامعه شناسان و پژوهشگران و پیوندگان « راه مصدق » تقاضا می شود نوشته های خود را در پاسخ به سوال های بالا، همچنین پیشنهادهای خود را برای یافتن راه حلی مناسب که اپوزیسیون را در برونرفت از بن بست موجود یاری دهد ارسال نمایند.